

حزب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و... است که به دلیل تحولات بعد از انتخابات اختلافات خود را کنار گذاشته و دور یک میز جمع شدند تا از این پس رفاقت‌ها جای گلاویه‌ها را بگیرند.

به گفته تحلیل‌گران اگر چه اردوگاه اصلاحات در جریان تحولات اخیر یکی از مهمترین صدمات و لطامات سیاسی را متحمل شده تا جایی که حتی امکان حذف آنان از صفحه شطرنج سیاسی دور از انتظار نیست، با این حال نزدیکی و همسویی آنان بی‌شک یکی از مهمترین پیامدهای این انتخابات است که در صورت اعمال مدیریت بحران توسط سران این جناح، در آینده‌ای نه چندان دور



شهراد اتنری
shahrad42@yahoo.com

مروری بر پیامدهای انتخابات ریاست جمهوری

بازیگران اصلی در آرایش جدید



اگر تا پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، نحوه چینش نیروها در احزاب و جناح‌ها بنابر مقتضیات زمان و مکان تا حدی موج و متغیر بود، اینک پس از پایان پر حرف و حدیث این انتخابات و رسوب حاشیه‌های آن به نظر می‌رسد آرایش نیروهای سیاسی دچار تغییر و تحول عمده‌ای شده و باید بار دیگر در انتظار روزهای سرنوشت‌ساز دیگری به سر برد تا ترکیب نهایی آن مشخص شود.

امکان بازگشت به قدرت را در چارچوب قوانین موجود خواهند داشت.

در واقع این انتخابات به‌رغم تلخی‌های بی‌شمار برای اصلاح‌طلبان، شیرینی‌هایی نیز برایشان به ارمغان آورد، زیرا زمانی این افراد دارای دیدگاه‌های متفاوتی بودند و به گروه‌های پیشرو، تندرو و یا معتدل تقسیم می‌شدند، در حالی که پس از انتخابات همه این گروه‌ها موضع و دیدگاه تقریباً یکسانی پیدا کرده‌اند و دیگر تندروی یا کندروی شاخصه تعیین‌کننده رفتار آنها نیست، بلکه موضع واحدی در بین آنان دیده می‌شود و در واقع تفاوت معناداری بین مطالبات گروه‌های مختلف اصلاح‌طلب به چشم نمی‌آید.

انشعاب نظری و اردوگاه اصول‌گرایان

انتخابات ریاست جمهوری اگرچه در ظاهر به ضرر اصلاح‌طلبان و گوشه‌نشینی آنان منجر شد، اما ترکش‌های آن دامن اصول‌گرایان را نیز گرفت و موجب شد تا اختلافات زیادی بین آنها بر سر نحوه برخورد با منتقدان دولت ایجاد شود. بسیاری از اصول‌گرایان هنوز معتقدند برخورد و شیوه مقابله با منتقدان دولت درست نبوده، و به جای آرام کردن صحنه سیاسی کشور، به شعله ورشدن اختلافات موجود انجامیده است.

در بین چهره‌های این جناح که تا پیش از انتخابات از حامیان سرسخت احمدی‌نژاد به شمار می‌رفتند، اکنون شکاف‌های عمده‌ای ایجاد شده که صف آنان را از یکدیگر جدا کرده است. اصول‌گرایان سنتی که به

به طور یقین نمی‌توان تحلیل دقیقی از نوع آرایش جدید سیاسی ارایه کرد، با این حال با توجه به عمق اختلافات حاکم بین موافقان و مخالفان دولت می‌توان تا حدی به تغییر و تحول احتمالی رخ داده در آینده اشاره کرد.

به هر حال با پایان انتخابات و محاکمه کسانی که بنا به گفته مسوولان امر در جریان آشوب‌های اخیر دست داشتند، فضای سرد و ناامیدکننده‌ای در جامعه به وجود آمده است که اصلاح‌طلبان را با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبه‌رو کرده است. هر چند به‌زعم بسیاری از چهره‌های سرشناس اصلاح‌طلب این دادگاه‌ها نمایشی و جنبه سیاسی داشته تا حقوقی، با این حال تمامی این چالش‌ها به‌رغم به خطر انداختن آینده سیاسی آنها، یک پیامد مثبت به دنبال داشته و آن اعتماد و همدلی گروه‌های مختلف اصلاح‌طلب اعم از حزب اتحاد ملی،

دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اگر چه با رادیکالیزه شدن ادبیات سیاسی و تشدید اختلافات در اردوگاه جناح‌ها همراه بود، اما مسلماً با یک پیامد تاثیرگذار در عرصه سیاست کشور روبه‌رو خواهد بود که در این نوشتار به آن اشاره می‌شود.

تحکیم مناسبات در جناح اصلاح‌طلب

یکی از آفت‌های اصلاح‌طلبان در دوره‌های گذشته وجود احزاب و تشکل‌های مختلفی بود که بعضاً از لحاظ تئوریک و نحوه نگرش به حکومت دارای اختلافات زیادی با یکدیگر بودند که این تضاد دیدگاه‌ها در مواقع حساس تاثیر قابل توجهی در تشخیص این اردوگاه و نرسیدن به وحدت رویه داشت.

به عنوان مثال حزب اعتماد ملی با رهبری مهدی کروبی تا قبل از این انتخابات هیچ‌گاه نتوانست ارتباط مناسب و تاثیرگذار را با حزب مشارکت و یا سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی برقرار کند و این دو گروه آخر نیز همواره با ختم‌شسی و دیدگاه فکری کروبی و حامیان او در حزب اعتماد ملی دچار اختلاف عقیده و نگرش بودند، اما انتخابات دهم ریاست جمهوری و حاشیه‌های جنجال‌برانگیز آن به طور موقت هم که شده، آب سردی بر آتش این اختلافات ریشه‌دار پاشید تا از این پس تعریف جدیدی از تعاملات سیاسی بین این گروه‌ها حاکم شود. هر چند هنوز تنش‌های باقی‌مانده از این اختلافات در لابه‌لای گفتارها و رفتارهای سیاستمداران دیده می‌شود و

در آرایش سیاسی جدید
میر حسین موسوی، محسن
رضایی و احمدی‌نژاد بازیگران
اصلی هستند

«محافظة کاران» شهرت دارند و در جریان این انتخابات نیز از احمدی‌نژاد حمایت کردند، پس از ناآرامی‌های اخیر و عدم تدبیر مناسب از سوی برخی دست‌اندرکاران برای حل بحران، مدتی است که به صف منتقدان دولت پیوستند و از سیاست‌ها و نوع رفتارهای حامیان دولت گلایه می‌کنند. این افراد مانند عماد افروغ، داوود دانش جعفری، محمد خوش‌چهره، سعید ابوطالب، طهماسب مظاهری، مصطفی پورمحمدی، محسن اژه‌ای و صفار هرندی که به دلیل اختلاف سلیقه با رییس جمهوری از کابینه کنار گذاشته شدند، اکنون پای خود را از مرز تعلقات جناحی فراتر گذاشته و به نقد جدی‌تر سیاست‌های دولت اعتقاد دارند. در واقع برخی از اصول‌گرایان در ادامه راه خود دچار نوعی شکاف و انشعاب فکری و نظری با طرفداران احمدی‌نژاد و رایحه خوش خدمت شده‌اند که فصل جدیدی از حیات سیاسی را مقابلشان قرار داده است.

با این توصیف در طول حیات سیاسی جدید اصول‌گرایان که با نوعی تعارض و بروز شکاف همراه است، اشخاصی مانند علی لاریجانی، عماد افروغ، محسن رضایی و... می‌کوشند با درایت و پیشه گرفتن اعتدال و میانه‌روی ریشه بحران را پیدا کرده و بخشکانند. به عبارت دیگر اکنون جنگ «اختلافات در نظریه‌ها» آغاز شده و هر کدام از اصول‌گرایان می‌کوشند نسبت به وزن و جایگاهی که در این جناح دارند، عقیده و نظریه خود را برای اداره امور مطرح نمایند، زیرا قبل از روی کار آمدن احمدی‌نژاد محور تحركات این جناح جلوگیری از پیروزی اصلاح‌طلبان بوده، اما پس از پیروزی احمدی‌نژاد در دور اول به تدریج اختلاف‌نظر بین آنها و رییس دولت بیشتر شد تا این که منجر به بروز شکاف و جدا شدن برخی از آنها از یکدیگر شد، اما در حال حاضر که احمدی‌نژاد بار دیگر به عنوان رییس جمهوری سوگند یاد کرده و اتفاقات ناگواری پس از انتخابات رخ داده است، تمام سعی و تلاش اصول‌گرایان صرف این می‌شود تا به نوعی خود را از این اتفاقات مبرا بدانند، از این رو در جریان انتخابات برخی جانب میرحسین موسوی و برخی دیگر نیز به سوی محسن رضایی شتافتند تا به نوعی اعتراض خود را به سیاست‌های دولت اعلام کنند. بدین ترتیب پس از انتخابات همان طور که پیش‌بینی می‌شد، رویدادهای قابل توجهی در این جناح در شرف وقوع است که پس از معرفی اعضای کابینه و رای اعتماد مجلس به آنها باید به تدریج منتظر وقوع آنها بود، رویدادهایی که بدون شک، سرنوشت تازه‌ای را برای اصول‌گرایان رقم خواهد زد، اما این که این اتفاقات به شکل افراطی و یا میانه‌روی ختم شود، هنوز به درستی قابل پیش‌بینی نیست و باید به انتظار نشست و دید که از متن اصول‌گرایان چه نوع گروه یا تشکیلی پدید می‌آید؟

اما این اتفاقات فقط به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه جبهه دیگری نیز در این جریان شکل می‌گیرد که نشانه‌های آن حاکی از تولد این جریان نوپاست، جریانیه که در حد فاصل تندروی و کندروی شکل گرفته و رهبری آن را نیز محسن رضایی نامزد شاخص این دوره

از انتخابات به عهده دارد. در واقع از این پس هدایت اصول‌گرایان معتدل و میانه‌رو را رضایی بر عهده می‌گیرد تا نیازها و مطالبات حامیان این طیف را در بستری آرام و به دور از هیاهو و تهمت‌پراکنی دنبال کند. بدین ترتیب عملاً پس از انتخابات ریاست جمهوری اصول‌گرایان به سه طیف تقسیم شدند و هر کدام به سوی یک جریان رفتند. یک گروه به سمت میرحسین موسوی، یک عده به سمت محسن رضایی و سرانجام گروهی نیز دنباله‌رو محمود احمدی‌نژاد شدند تا شکاف موجود بیش از هر زمان خود را در معرض افکار عمومی قرار دهد.

تنگ شدن حلقه حامیان دولت

طرفداران پر و پا قرص احمدی‌نژاد که بیشتر

این انتخابات عبرت‌آموز در عین حالی که اصلاح‌طلبان را زیر یک سقف جمع کرد باعث انشعاب نظری و عملی در بین اصول‌گرایان شد

در قالب رایحه خوش خدمت فعالیت می‌کنند، قبل از برگزاری انتخابات با محدود کردن دایره اصول‌گرایان فقط گروه محدودی را که از نزدیکان رییس دولت بودند و هستند، به عنوان اصول‌گرا قبول دارند و ضمن مخالفت با تشکیل حزب پس از انتخابات می‌کوشند تعریف جدیدی از اصول‌گرایی ارایه کرده و دست به نوعی تصفیه حساب سیاسی بزنند. برخی از این حامیان افراطی که هیچ نوع انتقادی را بر نمی‌تابند و گاهی اوقات با ترویج خرافه‌گرایی سعی بر جلب توجه‌های مردم را دارند، می‌کوشند دایره نزدیکان دولت را تنگ کرده و از این هم که هست، محدودتر کنند.

آنها که علاقه وافری به اصول‌گرایی ناب دارند، بعد از انتخابات و برخی موضع‌گیری‌های اشخاص این جناح، استراتژی «یا ما یا علیه ما» را برگزیدند تا از این به بعد سایر اصول‌گرایانی را که از آنان و احمدی‌نژاد انتقاد می‌کنند، از خود دور کرده و دست به یک تصفیه سیاسی بزنند. اگر برای این آقایان تا دیروز عماد افروغ، محمد خوش‌چهره، مصطفی پورمحمدی و طهماسب مظاهری استخوان لای زخم بودند، هم اینک محسن اژه‌ای، صفار هرندی، هاشمی رفسنجانی، محسن رضایی و علی لاریجانی هم موی دماغشان هستند. این اواخر البته اسم محمدجواد باهنر نایب رییس مجلس را هم باید به این افراد اضافه کرد.

مخالفت افراطیون با منتقدان احمدی‌نژاد به حدی است که حتی در صحن علنی مجلس هم با حامیان لاریجانی یا هاشمی رفسنجانی درگیر می‌شوند تا آن روی سکه اصول‌گرایی را به مخالفان خود نشان دهند.

آنها حتی علی لاریجانی را نیز تحمل نمی‌کنند و علاوه بر او نوک تیز حملات خود را متوجه علی مطهری هم می‌کنند تا نشان دهند بیشترین تعصب کورکورانه را در برابر سیاست‌های دولت اتخاذ می‌کنند.

حامیان احمدی‌نژاد که همواره در فضای متشنج و پر هیاهو قادر به حرکت و فعالیت هستند، همچنین بعد از روی کار آمدن رسمی دولت دهم و شکل گرفتن کابینه دولت می‌خواهند تکلیف خود را با شهردار کنونی تهران روشن کنند. آنان که پس از مطرح کردن طرح انتخاب شهردار تهران توسط وزارت کشور نتوانستند از این نقشه خود استفاده کنند، می‌کوشند از راه‌های دیگر قالیباف را از ساختمان بهشت دور کنند و آخرین سنگر حساس شهری را نیز را به تصرف خود درآورند. تبلیغات منفی علیه طرح‌های موفق شهری مانند تونل توحید بخشی از سناریوی مخالفان قالیباف برای خراب کردن چهره شهرداری تهران است تا جایی که قالیباف اعلام کرد هر وقت شهرداری به زمان افتتاح یک پروژه بزرگ و موفق شهری نزدیک می‌شود، برخی جریان‌ها تلاش خود را برای مخدوش کردن کوشش‌های شهرداری دوچندان می‌کنند.

برخی از افراطیون این جریان حتی در پی تغییر ریاست فراکسیون اصول‌گرایان در مجلس هستند تا شخص دیگری را جانشین لاریجانی کنند. همان طور که مشخص است حامیان تندرو احمدی‌نژاد پس از انتخابات استراتژی «اصول‌گرایان محدود» را انتخاب کرده و هر از گاهی با جدا کردن اصول‌گرایان از دایره طرفداران دولت، قصد تقسیم قدرت در بین طیف‌های باقی‌مانده از صحنه انتخابات را دارند تا به‌زعم خویش پایه‌گذار امپراتوری ناب اصول‌گرایی می‌باشند.

تغییر آرایش سیاسی

با توجه به مطالب ذکر شده در این نوشتار و بررسی پیامدهای ناشی از انتخابات به نظر می‌رسد آرایش سیاسی جدیدی در عرصه کشور در حال شکل‌گیری است که قطعا تحولات تازه‌ای را در آینده‌ای نه چندان دور رقم خواهد زد، تحولاتی که در یک ضلع آن صف‌آرایی گروه‌های مختلف اصلاح‌طلب زیر پرچم «راه سبز امید» به سرمداری میرحسین موسوی قرار دارند که از حمایت‌های معنوی هاشمی رفسنجانی نیز بهره خواهد برد و در ضلع دیگر آن اصول‌گرایانی جمع شدند که از نتیجه انتخابات ناراضی بوده، اما معتقد به پیگیری آن از طریق مسالمت‌آمیز هستند. هدایت این ضلع جدید سیاسی نیز بر عهده محسن رضایی است که آزمون مورد نظر حاکمی از خود در جریان انتخابات پس داد، و مهم تر از همه آخرین ضلع این آرایش جدید است که حامیان تندرو دولت در آن جای دارند. این افراد هم قرار است از این پس ضمن تصفیه سیاسی کامل با اصول‌گرایان منتقد دولت، نقش تازه‌ای در تحولات سیاسی کشور بازی کنند.

بدین ترتیب باید به انتظار روزها و ماه‌های آینده نشست و دید کدام یک از این اضلاع قدرت قادرند دیگری را دفع کرده و خود به بازیگر اصلی صحنه قدرت تبدیل شوند؟